



# پیوست عدالت برای فصل اصلاح نظام مالیاتی لایحه برنامه هفتم توسعه





بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

شماره مسلسل: ۱۹۲۲۲  
کد موضوعی: ۳۵۰



مرکز پژوهش‌های  
مجلس شورای اسلامی

تاریخ انتشار:  
۱۴۰۲/۵/۲۸

عنوان گزارش:

پیوست عدالت برای فصل اصلاح نظام مالیاتی  
لایحه برنامه هفتم توسعه

نام دفتر:  
مطالعات بنیادین حکمرانی

تهیه و تدوین:  
محمدتقی نظریان مفید

اظهار نظرکننده:  
هادی ترابی فر

ناظر علمی:  
مهدی عبدالحمید

گرافیک و صفحه آرایی:  
انسیه بهاء بزرگی

واژه‌های کلیدی:

۱. پیوست عدالت
۲. برابری تمهیدی
۳. برابری فرآیندی
۴. تبعیض کارآمد پایه
۵. تبعیض جبرانی
۶. تبعیض ارزش پایه



## فهرست مطالب

۶	چکیده.....
۷	خلاصه مدیریتی.....
۸	۱. مقدمه.....
۹	۲. تحلیل از منظر مسائل.....
۹	۲. گسترش فناوری های اطلاعاتی در جهت استقلال زندگی از دولت.....
۱۰	۳. چهار چوب تحلیلی پیوست عدالت.....
۱۰	۳-۱. ابعاد بخشی عدالت.....
۱۱	۳-۲. ساختار تبعیض های روا.....
۱۳	۴. تحلیل فصل اصلاح نظام مالیاتی مبتنی بر معیار های عدالت.....
۲۰	۵. بازبینی عدالت.....
۲۲	منابع و مآخذ.....

## فهرست جداول

۱۳	جدول ۱. اهداف کمی سنجه های عملکردی اصلاح نظام مالیاتی.....
۱۳	جدول ۲. توضیحات بند الف ماده ۲۷.....
۱۴	جدول ۳. توضیحات بند ب ماده ۲۷.....
۱۵	جدول ۴. توضیحات بند پ ماده ۲۷.....
۱۶	جدول ۵. توضیحات تبصره بند پ ماده ۲۷.....
۱۶	جدول ۶. توضیحات بندت ماده ۲۷.....
۱۷	جدول ۷. توضیحات بند ث ماده ۲۷.....
۱۷	جدول ۸. توضیحات بند ج ماده ۲۷.....
۱۸	جدول ۹. توضیحات بند چ ماده ۲۷.....
۱۹	جدول ۱۰. توضیحات بند ح ماده ۲۷.....
۱۹	جدول ۱۰. توضیحات بند خ ماده ۲۷.....



## پیوست عدالت برای فصل اصلاح نظام مالیاتی لایحه برنامه هفتم توسعه

### چکیده



در این گزارش سعی بر آن بوده تا فصل چهارم لایحه برنامه توسعه هفتم از منظر عدالت ارزیابی شود. ارزیابی صورت گرفته که تحت عنوان «پیوست عدالت برای فصل اصلاح نظام مالیاتی لایحه برنامه هفتم» تدوین شده است، شامل تحلیل مسئله طرح، تحلیل اثر اصلاحات پیشنهادی در عرصه‌های گوناگون عدالت و تحلیل از منظر معیارهای عدالت می‌باشد. در پایان گزارش نیز سعی بر آن بوده تا اثر تصویب و اجرای فصل اصلاح نظام مالیاتی در بخش‌های گوناگون عدالت، در قالب جداول بازبینی پیوست عدالت ارزیابی شود.

نتایج بدست آمده نشان می‌دهد که تصویب لایحه در شکل کنونی آثار مثبتی در بخش توزیع اولیه و عدالت تأمین خواهد داشت؛ اما در بخش توزیع فرآیندی، عدالت ترمیمی و عدالت کیفی دارای آثار منفی است. همچنین می‌توان آن را، در نسبت با برابری‌های اساسی در شاخصه‌ی برابری تمهیدی، مثبت ارزیابی نموده و اثر آن بر برابری فرآیندی را با توجه به آثار مختلف غیر هم جهت، در مجموع خنثی دانست. از نقطه نظر تحلیل وضعیت تبعیض‌های روا، نتیجه آن است که برآیند آثار این فصل بر تبعیض کارآمدپایه و تبعیض ارزش پایه منفی بوده و اثر خنثی بر تبعیض جبرانی خواهد داشت. همچنین باید توجه داشت که لایحه امکان و ظرفیت ایجاد فساد و نیز تعارض منافع را در دامن خود دارد. در شاخصه‌های مردمی‌سازی نیز به واسطه ارتقاء شفافیت می‌توان اثر آن را مثبت دانست؛ اما باید تذکر داد که لایحه در شکل کنونی به دلیل عدم اقناع کافی جامعه در خصوص برخی تغییرات، می‌تواند اثر منفی بر احساس عدالت در جامعه ایجاد نماید.

با توجه به نتایج بدست آمده از تحلیل‌های صورت گرفته می‌توان کلیت فصل را مورد قبول ارزیابی نمود؛ اما می‌بایست برخی از بندهای آن حذف یا اصلاح شوند تا آثار منفی کمتری از نقطه نظر عدالت در جامعه پدید آید یا آثار مثبت تقویت شود.



### بیان مسئله:

تبعیض ارزش پایه منفی بوده و بر تبعیض جبرانی اثر خنثی خواهد داشت. همچنین باید توجه داشت که لایحه امکان و ظرفیت ایجاد فساد و نیز تعارض منافع را در دامن خود دارد. در شاخص‌های مردمی‌سازی نیز به واسطه ارتقاء شفافیت می‌توان اثر آن را مثبت دانست؛ اما باید تذکر داد که لایحه در شکل کنونی به دلیل عدم اقناع کافی جامعه در خصوص برخی تغییرات، می‌تواند اثر منفی بر احساس عدالت در جامعه ایجاد نماید.

### پیشنهادات تقنینی:

با توجه به نتایج بدست آمده از تحلیل‌های صورت گرفته، می‌توان کلیت فصل را مورد قبول ارزیابی نمود؛ اما می‌بایست برخی از بندهای آن حذف یا اصلاح شوند تا آثار منفی کمتری از نقطه نظر عدالت در جامعه پدید آید یا آثار مثبت تقویت شود. از میان مواد و بندهای پیشنهاد شده در این فصل، بندهای (الف)، (ت) و (خ) ماده (۲۷) مورد تأیید است. اما ایده محوری بندهای (ب)، (چ) و (ج) همان ماده مردود بوده و قابل اصلاح نیست؛ لذا توصیه بر حذف آنهاست. همچنین بندهای (پ)، (ث) و (ج) ماده (۲۹) می‌تواند با اندکی اصلاح با عدالت همراستایی بیشتری داشته باشد.

از آن رو که عدالت اساسی‌ترین اصل در تدوین قوانین بوده و نیز در سیاست‌های کلی برنامه هفتم بر «پیشرفت توأم با عدالت» تأکید شده است، در گزارش «پیوست عدالت برای فصل اصلاح نظام مالیاتی برنامه هفتم توسعه» سعی بر آن بوده تا فصل مرتبط با اصلاح نظام مالیاتی در برنامه هفتم مورد ارزیابی قرار گرفته و میزان انطباق و همراستایی بندهای پیشنهادی در این فصل با عدالت به بحث گذاشته شود.

### نقطه نظرات:

نتایج بدست آمده نشان می‌دهد که تصویب لایحه در شکل کنونی آثار مثبتی در بخش توزیع اولیه و عدالت تأمین خواهد داشت؛ اما در بخش توزیع فرآیندی، عدالت ترمیمی و عدالت کیفی دارای آثار منفی است. همچنین می‌توان آن را، در نسبت با برابری‌های اساسی در شاخصه‌ی برابری تمهیدی مثبت ارزیابی نمود و اثر آن بر برابری فرآیندی را با توجه به آثار مختلف غیر هم جهت، در مجموع خنثی دانست. از نقطه نظر تحلیل وضعیت تبعیض‌های روا، برآیند اثر تصویب بندهای این فصل بر تبعیض کارآمد پایه و





## ۱. مقدمه

«پیوست عدالت» یکی از مطالبات جدی رهبر انقلاب از بدنه اجرایی و تقنینی کشور است که در اولین دیدار با رئیس‌جمهور و هیئت دولت سیزدهم طرح شد. در این دیدار ایشان چنین بیان نمودند: «مسئله بعدی عدالت‌ورزی است که خب اساس حکومت اسلامی و جمهوری اسلامی بر اقامه عدل است، کما اینکه اساس همه ادیان بر اقامه عدل است. خدای متعال می‌فرماید که ما پیغمبران را فرستادیم، کتاب‌های آسمانی را فرستادیم، لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ؛ اصلاً برای اینکه مردم قیام به قسط کنند و جامعه، جامعه عدالت‌آمیز باشد. خب ما در این زمینه‌ها عقبیم، خیلی باید کار کنیم، خیلی باید تلاش کنیم. به نظر من هر مصوبه‌ای که شما تصویب می‌کنید، هر لایحه‌ای که در دولت تنظیم می‌کنید، هر بخشنامه‌ای که خود شما در دستگاه خودتان صادر می‌کنید، یک پیوست عدالت باید داشته باشد؛ باید مراقب باشید این روش، این کار، این دستور، ضربه‌ای به عدالت نزنند، طبقات مظلوم را پایمال نکنند؛ این مراقبت باید همیشه باشد؛ حالا یا با یک پیوست مکتوب یا بالاخره از لحاظ نوع تنظیم جوری باشد که این طور باشد.»<sup>۱</sup> همچنین در جای دیگر بر پیوست عدالت تأکید کرده و چنین بیان می‌دارند: «شما هر تصمیمی که می‌گیرید، هر مقرره‌ای که انجام می‌گیرد، چه در مجلس شورای اسلامی که قانون تصویب می‌کنید، چه در دولت، چه در بخش‌های مدیریتی گوناگون دیگر در سراسر کشور، یکی از مهم‌ترین چیزهایی که مورد نظر قرار می‌دهید باید مسئله‌ی عدالت باشد که آیا این بر طبق عدالت است یا نیست. یک جاهایی لازم است تا پیوست عدالت برای آن مقرره ترتیب داده بشود که معلوم بشود که این مقرره جوری انجام می‌گیرد، این قانون جوری اجرا می‌شود که بر طبق عدالت باشد.»<sup>۲</sup>

گزارش حاضر در راستای عینیت بخشیدن به مطالبه فوق تدوین شده است. لازم به ذکر است که پیش‌تر در قالب یک گزارش راهبردی ذیل عنوان «چهارچوب مفهومی پیوست عدالت»<sup>۳</sup>، ابعاد و سرفصل‌های اصلی مورد نیاز برای نگارش پیوست عدالت برای طرح‌ها و لوایح توضیح داده شده است. در این گزارش سعی بر آن بوده تا به اقتضای طرح پیشنهادی هر یک از سرفصل‌های بیان شده در گزارش «چهارچوب مفهومی پیوست عدالت» که ظرفیت بحث در این موضوع را دارند، مورد تأمل قرار گرفته و مواد و بندهای پیشنهاد شده ذیل فصل چهارم لایحه برنامه هفتم که در ارتباط با اصلاح نظام مالیاتی است ارزیابی شود. این فصل مشتمل بر مواد (۲۶) و (۲۷) لایحه برنامه هفتم است. در ادامه سعی شده است تا اصلاحات پیشنهادی از منظر عدالت نقد و ارزیابی شود.

۱. بیانات رهبر انقلاب در نخستین دیدار رئیس‌جمهور و اعضای هیئت دولت سیزده، ۱۴۰۰/۶/۶.

۲. بیانات رهبر انقلاب در دیدار میهمانان کنفرانس وحدت اسلامی و جمعی از مسئولان نظام، ۱۴۰۰/۸/۲.

۳. چهارچوب مفهومی تدوین پیوست عدالت، نظریان مفید محمد تقی. مرداد ۱۴۰۱؛ شماره مسلسل ۱۸۳۶۰.



## ۲. تحلیل از منظر مسائل

مهم برای کاهش فاصله طبقاتی در کشور محسوب می‌شود. همچنین یکی از ابزارهای بسیار مهم در حوزه کنترل سفته‌بازی در بازارهایی چون مسکن، خودرو و ... است. در حال حاضر بخش بسیار اندکی از درآمدهای مالیاتی دولت از مسیر مالیات بر ثروت تأمین می‌شود و این نیازمند تقویت است. خصوصاً آنکه مالیات بر ثروت می‌بایست مهمترین منبع تأمین مالی سیاست‌های حمایتی دولت فرض شود و از آنجا که هزینه‌های حمایتی دولت بسیار زیاد است، توجه بیش از پیش، به این منبع مالیاتی بسیار مهم است. از این رو نیاز است تا دولت مکلف به ارایه لایحه مالیات بر ثروت شده و حتی برای آن در برنامه هدف‌گذاری‌های کمی صورت گیرد. **«شفافیت و سادگی»** نظام مالیاتی مسئله دیگری است که باید به آن توجه شود. در فصل مورد بحث سعی بر آن بوده تا با اجبار نهادهای گوناگون به ارائه آمار و داده‌های مرتبط با اشخاص به سازمان امور مالیاتی، زمینه محاسبات دقیق‌تر در خصوص میزان سهم مالیاتی افراد مهیا شود. این عمل به خودی خود قابل دفاع است؛ اما نباید آن را تأمین‌کننده شفافیت در حوزه مالیاتی دانست. عدالت مالیاتی دانست. نظام مالیاتی ایران بسیار پیچیده بوده و درآمدها و مصارف آن به صورت شفاف برای مردم روشن نیست. برای محاسبه مالیات، عموماً نیاز به مشاوران مالیاتی است و افراد نمی‌توانند به سادگی سهم مالیاتی خود را محاسبه نمایند. این موضوع منجر به افزایش انگیزه فرار مالیاتی و نیز تحمیل احساس تبعیض، بی‌عدالتی و ظلم به مالیات‌دهندگان شده است. از رو یکی از مسائلی که می‌بایست در راستای افزایش عدالت مالیاتی در برنامه هفتم به آن توجه شود، کاهش پیچیدگی و افزایش شفافیت فرآیندهای مالیاتی است. متأسفانه لایحه مذکور توجه شایانی به این مقوله نداشته است.

مسئله محوری این فصل، همانطور که در ماده (۲۷) لایحه برنامه هفتم توسعه به آن اشاره شده است، «پایین بودن درآمدهای مالیاتی» است و از این رو می‌توان هدف اصلی و مشترک تمام مواد و بندهای این فصل را افزایش درآمدهای مالیاتی دولت دانست. از این رو سعی بر آن بوده تا از طرق مختلف مثل کاهش معافیت‌ها و تخفیف‌های مالیاتی و نیز افزایش شفافیت، جهت جلوگیری از فرار مالیاتی، مشکل مذکور را برطرف نماید. این موضوع می‌تواند گامی مثبت در حرکت به سمت عدالت ارزیابی شود؛ اما مشروط به رعایت بار حقوقی خاص محفوف در اشکال مختلف درآمدهای مالیاتی. به عنوان مثال مالیات بر درآمد، بار حقوقی متفاوتی نسبت به مالیات بر مصرف دارد و نمی‌توان هر دوی آنها را در جای همدیگر به مصرف رساند. همچنین درآمدهای حاصل از مالیات بر عایدی سرمایه از مالیات بر ثروت متفاوت است و نمی‌توان هر یک را در جای دیگری، به مصرف رساند. البته این موضوع جای بحث در این فصل ندارد؛ چرا که در این فصل به نوع مصارف درآمدهای مالیاتی ورود نشده است. اما از آنجا که پیوست عدالت ملتزم به تذکر در خصوص گلوگاه‌های بحران خیز در نسبت با عدالت است و ممکن است در آن گلوگاه‌ها عدالت دچار خدشه شود، تذکر فوق، لازم بود. لازم به اشاره است که علاوه بر پایین بودن سهم درآمدهای مالیاتی از بودجه کشور، مسائل دیگری نیز وجود دارند که عدم توجه به آنها، خلأ جدی در این فصل ایجاد نموده است. در همین راستا افزون بر مسئله «پایین بودن سهم درآمدهای مالیات در بودجه دولت» مسائل دیگری نیز می‌بایست مورد توجه باشد تا هدف عدالت‌محوری در این برنامه تأمین گردد؛ چرا که مبتنی بر مقدمه سیاست‌های کلی برنامه هفتم، لایحه برنامه هفتم توسعه می‌بایست با اولویت «پیشرفت اقتصادی توأم با عدالت» تدوین گردد. از جمله این مسائل «**عدم توجه به مالیات بر ثروت**» در قوانین کشور است. مالیات بر ثروت هم کارآمد است و هم از جمله ابزارهای



### ۳. چهارچوب تحلیلی پیوست عدالت



همانطور که در مقدمه بیان شد پیش از این در گزارش مفصلی تحت عنوان «چهارچوب مفهومی تدوین پیوست عدالت» به ابعاد و سرفصل‌های متعدد پیوست عدالت پرداخته شده است. اما با این وجود، نیاز است تا تبیینی پیرامون اصطلاحات بکار رفته در این گزارش صورت گیرد. در ادامه سعی بر آن است تا به طور مختصر اصطلاحات و به فراخور آنها چهارچوب تحلیلی مبنا قرار گرفته، در این گزارش تبیین شود.

#### ۳-۱. ابعاد بخشی عدالت

عدالت را می‌توان در بخش‌های گوناگون بررسی کرد. این بخش‌ها بسان حلقه‌های زنجیر در توالی هم بوده و تکمیل کننده طرح عدالت‌اند. یک سیاست لزوماً محدود به یک حلقه نیست و می‌تواند ذو ابعاد بوده و ریشه در حلقه‌های پیشینی یا اثر در حلقه‌های پسینی خود داشته باشد. ارزیابی یک طرح یا لایحه از منظر عدالت، زمانی کامل است که ارتباط آن با تمام بخش‌های عدالت، در نظر گرفته شده باشد. اهمیت و ضرورت بررسی ارتباطات طرح یا لایحه با بخش‌های عدالت از آن روست که معیارهای حاکم بر هر بخش از عدالت، خاص آن بخش بوده و متفاوت از بخش‌های دیگر است. لذا برای قضاوت نهایی، می‌بایست نوع و میزان ارتباط طرح یا لایحه با هر بخش، مشخص شود.

توضیح مختصر آنکه عدالت اجتماعی را می‌توان به «عدالت توزیعی» و «عدالت صیانتی» بخش نمود. عدالت توزیعی تمرکز بر توزیع خیرات اجتماعی و تعیین تکالیف و حقوق افراد در قبال هم داشته و در صدد پاسخ به این سؤال است که «چه چیزی باید سهم چه کسی باشد؟». عدالت توزیعی خود به سه قسم قابل بخش است که شامل «توزیع اولیه»، «توزیع فرآیندی» و «توزیع نهایی»<sup>۱</sup> است. عدالت صیانتی ناظر بر مرحله بعد از تعیین حقوق و تکالیف بوده و شامل شیوه و اقدامات لازم برای ایفای حقوق و ادای تکالیف تعیین شده است. عدالت صیانتی قابل بخش به «عدالت تأمینی»، «عدالت ترمیمی» و «عدالت کیفی» است.

#### ۳-۱-۱. توزیع اولیه

مقصود از توزیع اولیه، تعیین حقوق افراد نسبت به منابع و خیرهای اجتماعی است که پیش از تعامل میان افرادی که موضوع توزیع هستند، موجود بوده و این افراد نقشی در پدید آمدن یا دسترسی به آنها نداشته‌اند. در این تعریف، منابع طبیعی بخشی از منابع اولیه خواهند بود نه همه آن. اولیه بودن منابع، بیش از آنکه به

خود منابع وابسته باشد، وابسته به افرادی است که بهره‌گیری از آن منابع برای آنها مورد بحث است؛ به عبارتی، اولیه بودن منابع در نسبت با افراد است نه در ذات خود منابع. اگر آنچه مورد بحث است در نسبت با افرادی باشد که آن افراد در بوجود آمدن آن منابع هیچ نقشی نداشته باشند یا اگر هم دارای نقش باشند، سهم‌بری از آن منابع کاملاً مستقل از نقش آنها در ایجاد یا دسترسی به آن منابع تعریف شود، آن قسم از منابع به عنوان منابع اولیه عنوان‌گذاری خواهند شد.

معیار اساسی در توزیع منابع اولیه، «برابری تمهیدی» است. در این شکل از برابری، بر وضعیت زمینه‌ها و مقدمات لازم برای تعاملات انسانی تأکید می‌شود. مبتنی بر برابری تمهیدی، ساختارهای اجتماعی نباید به نحوی ساماندهی شوند که از فرد یا گروهی علیه فرد یا گروه دیگر در بهره‌مندی از منابع اولیه و بسترهای رشد و پیشرفت، جانبداری صورت گیرد. برابری تمهیدی در عرصه توزیع منابع اولیه اصل محوری است، به این دلیل که برای توزیع منابع اولیه به نحو برابر، نیاز به استدلال و توجیه نیست بلکه خروج از برابری و ایجاد نابرابری، محتاج استدلال و توجیه است. اصل بر آن است که همه سهم برابر از منابع اولیه دارند؛ مگر آنکه بر اساس شاخص‌های تبعیض روا، عدم برابری، موجه و مستدل شود.

#### ۳-۱-۲. توزیع فرآیندی

توزیع فرآیندی ناظر به تکالیف و حقوق پدید آمده برای افراد، به‌واسطه تعامل آنها با یکدیگر در اشکال مختلف روابط اجتماعی است. معیار مسلط بر این عرصه، «برابری فرآیندی» است. در این شکل از برابری، سهم افراد از کل با توجه به آورده‌ها و میزان نقش آنها در تعاملات با یکدیگر مقایسه می‌شود. حقوق و دستمزد پرداخت شده به افراد یا منافی که از حضور افراد در یک فرآیند و تعامل صورت گرفته، مثال‌های بارزی است که می‌توان ذیل این لایه از برابری به بحث گذاشت. در برابری فرآیندی می‌بایست نسبت میان عایدی افراد بر آورده آنها، در مقایسه با یکدیگر برابر باشد. اگر این نسبت به نفع یک سمت چرخش نماید، بدان معناست که برابری فرآیندی به نفع آن سمت و به ضرر سمت مقابل در حال نقض شدن است.

«وضع مالیات» نیز از جمله مواردی است که می‌تواند به نوعی بر عایدی افراد از تعاملات با یکدیگر اثر گذاشته و آن را به نفع یکی از طرفین تعامل تغییر دهد. همچنین مالیات بر درآمد که بخش

۱. توزیع نهایی، شامل بازتوزیع منابع تجمیع شده در اختیار افراد و جامعه است که این باز توزیع ذیل قواعدی کلی و مستقل از نوع و شکل توزیع در مراحل پیشین صورت می‌گیرد. بواسطه عدم ارتباط فصل مورد بحث با عرصه توزیع نهایی، این بخش در سرفصل‌ها مورد بحث قرار نگرفته است.

### ۳-۱-۵. عدالت کیفری

عدالت کیفری ناظر به تنبیه کسانی است به حقوق دیگران تعرض کرده‌اند؛ چرا که فقط با جبران حقوق از دست رفته برای کسانی که در حق آنها ظلم شده است، عدالت محقق خواهد گشت. پیکربندی ساختارهای اجتماعی می‌بایست به نحوی باشد که تعدی به حقوق دیگران به حداقل ممکن برسد و این بدون کیفر و مجازات خاطیان محقق نخواهد گشت. در این عرصه، معیار عدالت «تناسب میان جرم و کیفر» است.

### ۳-۲. ساختار تبعیض‌های روا

عدالت، صرفاً برابری نیست و در بعضی حوزه‌ها و موضوعات، تبعیض، عین عدالت است. تبعیض‌ها را از آن حیث که عادلانه هستند یا خیر می‌توان به تبعیض روا و تبعیض ناروا بخش نمود. پیوست عدالت، می‌بایست نسبت به مقوله تبعیض‌هایی که در هر پیشنهاد سیاستی نهفته است حساس بوده و روا بودن آنها را تحلیل نماید. در این بخش می‌بایست به این پرسش، پاسخ داد که آیا برابری‌های نقض شده در عرصه‌های عدالت، می‌تواند در بستر تبعیض روا توجیه شود یا خیر؟ تبعیض‌های روا را می‌توان در سه دسته مورد بررسی قرار داد که این سه دسته شامل «تبعیض‌های جبرانی»، «تبعیض‌های کارآمدپایه» و «تبعیض‌های ارزش‌پایه» است.

### ۳-۲-۱. تبعیض جبرانی

تبعیض جبرانی در واقع نوعی بازگشت و نگاه نقادانه به سیاست‌های پیشین یک جامعه است؛ چرا که وضعیت کنونی یک جامعه، معلول و محصول فرآیندها و سیاست‌های تعریف شده در گذشته می‌باشد. این نوع تبعیض، در همسایگی بسیار نزدیک با عدالت ترمیمی قرار دارد و حتی می‌توان آن را شعبه‌ای از آن دانست؛ اما بواسطه اهمیت و تمایزهای لطیف و نیز حیث تبعیضی آن، به طور مجزا مورد بحث و تأمل قرار می‌گیرد. تمایز میان آنچه ذیل این عنوان به بحث گذاشته می‌شود با آنچه ذیل سر فصل «عدالت ترمیمی» بحث شد، آن است که عدالت ترمیمی شامل جبران حقوقی است که به طور مستقیم می‌توان نقض حق را ردیابی نموده و به طور صریح ناقض حق را مشخص نمود. حکم به جبران و پس دادن مال مسروقه توسط یک سارق به فردی که اموالش به سرقت رفته است، بسیار صریح‌تر از حکم به آن است که یک فرد ثروتمند ملزم به جبران حقوق افراد فقیر شود. در واقع عدالت ترمیمی در سطوح روابط خرد در جستجوی بازگشت حقوق افراد است؛ اما تبعیض جبرانی در یک نگاه کلان، در پی حل ظلم‌ها و محرومیت‌های رسوب کرده در

عمده‌ای از درآمدهای مالیاتی کشور را شامل می‌شود، به نوعی می‌تواند مبتنی بر تعامل میان کنشگران اقتصادی با دولت تعریف شده و مبتنی بر خدمات دولت به عنوان آورده او در این تعامل ارزیابی شود.<sup>۱</sup> به عبارتی دولت با ارائه خدماتی چون امنیت، زیرساخت‌های اساسی تولید، تنظیم‌گیری و ... شریک در محصول و خدمات نهایی ارائه شده توسط هر واحد اقتصادی فرض شده و می‌تواند در قبال جبران خدمات خود، مالیات وضع نموده و اخذ نماید. از این منظر، میزان خدمات ارائه شده توسط دولت‌ها، به عنوان آورده آنها و میزان مالیات وضع شده، به عنوان عایدی دولت‌ها محسوب شده و قابلیت مقایسه و ارزیابی در تحلیل فرآیندی را دارد.

### ۳-۱-۳. عدالت تأمینی

عدالت تأمینی ناظر بر الزامات و شرایط مورد نیاز برای حفظ حقوقی است که افراد در اختیار دارند. عدالت تأمینی می‌تواند موازی با عدالت توزیعی، به طراحی برخی نهادها برای حفظ سهم‌های توزیع شده بیانجامد. تمایز عدالت تأمینی با عدالت توزیعی در آن است که بخش عدالت توزیعی، در مقام تعریف و رسمیت دادن حقوق برای افراد است ولی عدالت تأمینی، درصدد ایجاد ساختار و شرایطی برای حفظ حقوق تعریف شده برای افراد و جلوگیری از تخطی و پایمال شدن آن توسط دیگران یا حتی دولت است. به عنوان مثال، وجود نهادهای نظامی و انتظامی می‌تواند داخل در عدالت تأمینی توجیه شود یا حتی حمایت از حقوق بر آمده از مالکیت در همین عرصه قابل بحث و توضیح است.

در عرصه عدالت تأمینی، معیار عدالت را می‌توان «تأمین بازدارندگی و مقابله با پایمال شدن حقوق افراد» تعریف کرد. هر میزان که بتوان شرایط و ساختارها را به نحوی مفصل‌بندی کرد که حقوق رسمیت یافته برای افراد در اختیار آنها باقی مانده و از تعرض دیگران در امان بماند، در عرصه عدالت تأمینی، گام مثبتی برداشته شده است.

### ۳-۱-۴. عدالت ترمیمی

عدالت ترمیمی ناظر به جبران حقوق از دست‌رفته افراد است. به‌عنوان مثال مواردی چون دیه را می‌توان از مصادیق این دسته، برشمرد. وقتی به سهم و حقوق تعیین شده برای فرد یا افرادی تعرض صورت گیرد، نمی‌توان نسبت به آن بی‌تفاوت بود. می‌بایست حقوق از دست رفته جبران شود. معیار در عدالت جبرانی «بازگشت کامل حقوق سلب شده به ذی حق» است.

۱. اینکه چرا صرفاً مالیات بر درآمد را ذیل عرصه توزیع فرآیندی تحلیل می‌نماییم نیازمند توضیح است. از بستر بخش‌های گوناگون عدالت می‌توان نوع خاصی از مالیات را توجیه و تجویز نمود. برخی از انواع مالیات مثل مالیات بر درآمد اشخاص حقیقی یا اشخاص حقوقی، در بستر فرآیندی توجیه می‌شود. بخشی مثل مالیات بر ثروت، بر اساس معیارهای تبعیض جبرانی توجیه می‌شوند و بخش دیگری مثل مالیات بر مصرف یا عوارض‌های گمرکی و ... بر اساس معیارهای تبعیض ارزش‌پایه توجیه می‌شوند.



جامعه هست. شاخص محوری، برای رصد و پایش تبعیض جبرانی توجه به «نیاز و استضعاف» در یک سو و «استغناء و استکبار» در سوی دیگر جامعه است. اگر در گوشه‌ای از جامعه، نیازمندی وجود دارند، این بدان معناست که حقوق این افراد در حلقه‌های گوناگون توزیعی از قبیل توزیع اولیه، توزیع فرآیندی یا عدالت تأمینی توسط شخص یا اشخاصی نقض شده است و آنچه حق این افراد بوده در قالب ثروت‌های تکثیری در اختیار کسانی انباشته شده است. بر همین اساس است که محرومین و نیازمندان در اموال و دارایی‌های ثروتمندان داری حق می‌باشند.<sup>۱</sup> آنچه مشاهده می‌شود، مظاهری از نقض حقوق است ولی نمی‌توان به طور فردی و مستقیم نقض حقوق یک فرد مستضعف خاص را به یک فرد مستغنی خاص ربط داد. در این نوع تبعیض، معیار عدالت و روا بودن تبعیض، «از میان برداشتن استضعاف و محرومیت و در اولویت قرار گرفتن آنها در سیاست‌ها» است.

### ۳-۲-۳. تبعیض ارزش‌یاب

قسم دیگر تبعیض‌های روا، ناشی از تمایز و وزن ارزشی متفاوت بین انتخاب‌ها و افعال است. توضیح بیشتر آنکه در قسمی از موارد، مقایسه‌ها در کُنه خود به مقایسه میان افراد ختم می‌شوند و تبعیض یا برابری از تبعیض قائل شدن یا برابر فرض کردن افراد در مقایسه با هم نشأت می‌گیرد. در قسم دیگری از موارد، افعال و انتخاب‌ها با یکدیگر مقایسه شده و تبعیض‌ها ناشی از وزن اخلاقی و ارزشی متفاوتی است که یک نظام ارزشی و سیاسی به افعال می‌دهد. به‌عنوان مثال ممکن است در یک نظام ارزشی، پرداختن به آموزش نسبت به پرداختن به سفر خارجی تفریحی از اهمیت و ارزش بیشتری برخوردار باشد و به‌واسطه همین تفاوت ارزشی، ساختار سیاستی، تبعیض‌هایی را به نفع آموزش در مقایسه با سفر خارجی تفریحی اعمال نماید. در این ساختار، تبعیض‌های اعمال شده مستقل از افراد بوده و شامل هر آن کسی است که آموزش را به سفر خارجی ترجیح دهد. ممکن است مثلاً برای کسانی که آموزش را انتخاب می‌نمایند یارانه در نظر گرفته شده و برای کسانی که سفر خارجی تفریحی را انتخاب می‌کنند، مالیات و تعرفه در نظر گرفته شود. این نوع تبعیض‌ها میان کسانی که افعال یا انتخاب‌هایی با وزن ارزشی متفاوت دارند اعمال می‌شود با این شرط که اولاً هیچ مانع ساختاری برای بهره‌مندی افراد از تبعیض فرض شده، وجود نداشته باشد. مثلاً اگر آموزش بر سفر خارجی ترجیح دارد، ساختارها نباید به نحوی باشد که برخی نتوانند خود را در موقعیت استفاده از آموزش و به تبع آن بهره‌مندی از یارانه آموزش قرار دهند یا اینگونه نباشد که برخی از تعرفه سفر خارجی معاف شوند. ثانیاً میان افرادی که یک فعل واحد را انجام می‌دهند کماکان برابری در بهره‌مندی برقرار بماند. مثلاً اگر دو نفر از میان سفر خارجی و آموزش، هر دو آموزش را انتخاب کنند، نباید در حمایت از آنها تبعیض برقرار شود.<sup>۲</sup>

### ۳-۲-۲. تبعیض کارآمدی‌یاب

تبعیض کارآمدی‌یاب شکل دیگری از تبعیض‌های روا است. در این نوع تبعیض، قضاوت بر مدار بهینه‌یابی با فرض وجود یک هدف قرار دارد. به عنوان مثال می‌توان در ارزیابی ساختارهای نهادی و سازمانی آن را عیار مسلط قضاوت دانست. همچنین قضاوت در خصوص شایستگی افراد برای قرار گرفتن در جایگاه‌های مدیریتی، ریشه در این تبعیض دارد. به عنوان مثال، در خصوص انتخاب یک مدیر برای یک نهاد عمومی، به طور پیش‌فرض و بر اساس معیارهای توزیع اولیه، این فرصت برای همه به رسمیت شناخته شده است و هر کسی این حق را دارد که خود را در معرض انتخاب شدن قرار دهد؛ اما قطعاً از میان جمعیت کل کشور یک نفر می‌تواند به عنوان مدیر انتخاب شود. در این حالت نمی‌توان چنین ادعا کرد که علیه کسانی که به عنوان مدیر انتخاب نشده‌اند، تبعیض ناروا اعمال شده است؛ چرا که صندلی مدیریت فقط یکی است و قهراً تعداد کثیری از افراد از نشستن بر آن صندلی، محروم می‌شوند. تنها در صورتی می‌توان چنین ادعایی نمود که صلاحیت افراد برای نشستن در جایگاه مدیریت مورد خدشه قرار گیرد. شاخص‌هایی که صلاحیت افراد را تعریف می‌نمایند، مجموعاً ذیل معیار کارآمدی قابل تفسیر و توجیه می‌باشند؛ چرا که ویژگی‌های انتخاب می‌بایست در راستای تحقق بهتر هدف و مأموریت‌های تعریف شده برای آن جایگاه توجیه شوند. این صلاحیت‌ها می‌تواند

۱. «وَ الَّذِینَ فِیْ اَمْوَالِهِمْ حَقٌّ مَّعْلُومٌ لِّلسَّائِلِ وَالْمَحْرُومِ» (معرّاج: ۲۴-۲۵) همچنین امیرالمومنین حکمت ۳۲۰ در نهج البلاغه چنین می‌فرماید: «إِنَّ اللَّهَ سُبْحَانَهُ فَرَضَ فِیْ اَمْوَالِ الْاَغْنِیَاءِ اَقْوَاتَ الْفُقَرَاءِ- فَمَا جَاعَ فَقِیْرٌ اِلَّا بِمَا مَنَعَ بِهِ غَنَیٌّ- وَ اللَّهُ تَعَالَى سَأَلَهُمْ عَنْ ذَلِكِ» (ترجمه: خداوند سبحان در ثروت ثروتمندان روزی تنگدستان را واجب کرده است. پس هیچ تنگدستی گرسنه نماند مگر آن که توانگری حق او را نداده باشد. و خداوند تعالی از این کار مؤاخذه خواهد کرد. ترجمه شرح نهج البلاغه ابن میثم، ج ۵، ص ۶۸۶ و ۶۸۷)  
۲. البته در این خصوص هم می‌توان برای افزایش کیفیت آموزش برای کسانی که تلاش بیشتری می‌کنند در مقایسه با کسانی که تلاش کمی دارند، تشویق‌هایی را فرض کرد که این نیز نوعی تبعیض است که ذیل تبعیض‌های کارآمدی پایه دسته بندی می‌شوند. اما نباید میان کسانی که به یک اندازه تلاش داشته و بهره‌گیری آنها به یک میزان است، این تبعیض اعمال شود.

## ۴. تحلیل فصل اصلاح نظام مالیاتی مبتنی بر معیارهای عدالت



مرتبط با آن بند از منظر عدالت ذیل آن به بحث گذاشته شده است.

### ماده ۲۶:

در اجرای بند چهارم سیاست‌های کلی برنامه و به منظور تحقق اهداف کمی زیر مطابق با احکام این فصل، اقدام می‌شود.

در این بخش سعی بر آن است تا مبتنی بر مقدمات و ترمینولوژی بیان شده در بخش‌های پیشین، هر یک از بندهای موجود در فصل اصلاح نظام مالیاتی لایحه برنامه هفتم توسعه در جدول مجزا به نقد گذاشته شده و از منظر عدالت واکاوی شود. هر یک از بندها به فراخور نسبت و انطباق آن با عدالت طیف‌گذاری شده و توضیحات

### جدول ۱. اهداف کمی سنج‌های عملکردی اصلاح نظام مالیاتی

سنجه عملکردی	واحد متعارف	هدف کمی در پایان برنامه
نسبت درآمدهای مالیاتی به تولید ناخالص داخلی	درصد/ سالانه	۱۰
نسبت مالیات به اعتبارات هزینه‌ای	درصد/ سالانه	۸۰

### ماده ۲۷:

به منظور افزایش سهم مالیات در بودجه عمومی کشور، اقدامات زیر انجام می‌شود:

### بند الف ماده ۲۷:

وضع هرگونه تخفیف، ترجیح، بخشودگی، کاهش نرخ، معافیت و شمولیت نرخ صفر و اعطای اعتبار مالیاتی جدید در سال‌های برنامه ممنوع است.

### جدول ۲. توضیحات بند الف ماده ۲۷

میزان انطباق با عدالت:	
انطباق کامل <input type="checkbox"/>	بسیار <input checked="" type="checkbox"/>
تا حدودی <input type="checkbox"/>	متوسط <input type="checkbox"/>
کم <input type="checkbox"/>	بسیار کم <input type="checkbox"/>
عدم انطباق <input type="checkbox"/>	
<p>برای تأمین عدالت در حوزه مالیات، اصل بر آن است که تبعیضی میان افراد جامعه در بار مالیاتی وجود نداشته باشد مگر آنکه دلیل موجهی برای این موضوع از جنس تبعیض‌های روا (تبعیض جبرانی، تبعیض کارآمدپایه یا تبعیض ارزش پایه) برای عدول از برابری در تقسیم بار مالیاتی فراهم آید. این تبعیض، می‌تواند در شکل تخفیف و معافیت مالیاتی باشد یا حتی افزایش بار مالیاتی را ایجاد نماید. این تبعیض‌ها می‌توانند در راستای ایجاد انگیزه یا کنترل انگیزه‌ها نقش‌آفرین باشند و دولت‌ها مستغنی از این ابزارها و بهره‌گیری از آنها نیستند و نمی‌توان به صورت کلی آن را ممنوع کرد. با این وجود دو نکته قابل تأمل است:</p> <p>۱. مرور در انبوه تخفیف‌ها و معافیت‌ها نشان از آن دارد که عقلانیت قابل دفاعی برای همه آنها وجود ندارد و بعضاً تبدیل به رانت‌های بلاوجه شده‌اند. همچنین علاوه بر آنکه تخفیف‌های مالیاتی کاهش درآمدهای مالیاتی دولت را در پی داشته، به دلیل عدم بهینه بودن در هدایت انگیزه‌ها، منجر به جهت‌گیری کنش‌گران اقتصادی در عرصه‌هایی شده است که هدف سیاست‌گذار را تأمین نکرده است.</p> <p>۲. می‌بایست فرآیند اعمال تبعیض‌های مالیاتی از عقلانیت توجیهی محکم‌تری برخوردار شود. ممنوعیت در قوانین برنامه و بودجه به معنای آن نیست که به طور کامل این ممنوعیت ایجاد می‌شود؛ بلکه به این معناست که لغو آن، نیازمند آرای بیشتری در مجلس است. چرا که طبق بند ج ماده ۱۱۷ آیین‌نامه داخلی مجلس شورای اسلامی، با اکثریت دو سوم آرای نمایندگان مجلس می‌توان قانون برنامه توسعه را در ضمن لایحه بودجه و سایر طرح‌ها و لوایح اصلاح کرده و تغییر داد. در واقع این ممنوعیت به معنای تغییر فرآیند تصمیم‌گیری در خصوص معافیت‌ها و بخشودگی‌هاست و می‌بایست در این فرآیند، دلایل به حدی محکم و متقن باشد که بتواند دو سوم نمایندگان مجلس شورای اسلامی را در خصوص روا بودن معافیت یا بخشودگی جدید قانع نماید.</p> <p>با توجه به توضیحات پیش گفته، می‌توان این ماده را در راستای تقویت عدالت تأمین‌ی ارزیابی کرد؛ چرا که در این ماده، حقوقی توزیع نمی‌شود و فقط نوعی زمینه‌سازی برای حفاظت و صیانت از حقوق تعریف شده است.</p> <p>همچنین از بعد دیگر نیز می‌توان از این ماده دفاع کرد. هر میزان استثناء‌های مالیاتی از جنس تخفیف، معافیت و ... کمتر شود، شفافیت و سادگی در موضوع مالیات‌ها افزایش خواهد یافت و همین فی‌نفسه گامی در جهت عادلانه‌تر شدن نظام مالیاتی است.</p>	توضیحات
	پیشنهادات



نرخ صفر، اعتبار، کاهش نرخ‌های مالیاتی و بخشودگی‌های مالیاتی در خصوص مالیات بر درآمد هر شخص حقیقی نمی‌تواند بیشتر از پنج میلیارد (۵/۰۰۰/۰۰۰/۰۰۰) ریال در سال باشد.

## بند ب ماده ۲۷:

میزان درآمد مالیاتی اذست‌رفته دولت از محل مجموع معافیت،

### جدول ۳. توضیحات بندب ماده ۲۷

میزان انطباق با عدالت:						
انطباق کامل □	بسیار □	تا حدودی □	متوسط □	کم □	بسیار کم ■	عدم انطباق □
<p>این بند را می‌توان هم در ارتباط با توزیع فرآیندی و هم در ارتباط با عدالت ترمیمی، تبعیض جبرانی و تبعیض ارزش‌پایه دانست.</p> <p>بند مذکور در شکل کنونی منتهی به نقض برابری فرآیندی خواهد شد. سقف پنج میلیارد ریال برای سطوح درآمدی متفاوت، اثر متفاوتی دارد. این رقم ممکن است درصد ناچیزی از مالیات یک شخص در دهک دهم باشد، ولی می‌تواند چندین برابر بیشتر از مالیات برخی افراد در دهک‌های پایین‌تر باشد. رعایت برابری ایجاد می‌کند که این رقم به صورت درصد (٪) از سهم مالیات افراد فرض شود نه میزان مطلق.</p> <p>نکته بعد آنکه اساساً بخشودگی مالیاتی به این شکل و به صورت کور قابل دفاع نیست. تخفیف‌های مالیاتی در بستر عدالت از سه منظر قابل توجیه هستند.</p> <p>- بستر نخست در راستای <b>عدالت ترمیمی</b> است. عدالت ترمیمی وقتی مطرح است که حقوقی از افراد نقض شده و در عوض آن حقوق، در جای دیگر به شکل دیگر جبران صورت می‌گیرد تا حقوق نقض شده ترمیم شود. اگر عدالت ترمیمی منبای تخفیف قرار گرفته باشد، در این صورت اساساً نمی‌توان برای آن کف یا سقف تعیین کرد؛ چرا که اقتضای عدالت، جبران به میزان معادل حقوق نقض شده است. این حقوق می‌تواند ارقامی بیش از ۵ میلیارد ریال را نیز شامل شود. لذا قرار دادن سقف برای تخفیف‌هایی که بر مدار عدالت ترمیمی قرار دارند بلا وجه است.</p> <p>- بستر دوم برای بخشودگی و تخفیف مالیاتی، از بستر <b>تبعیض جبرانی</b> است. تبعیض جبرانی شکل عمیق‌تری از عدالت ترمیمی است و درصدد است تا نتایج حاصل از نقض حقوق افراد و تحمیل نابرابری در حلقه‌های گوناگون توزیعی را که در قالب شکاف طبقاتی نمایان گشته، اصلاح و جبران نماید. در این نوع مالیات می‌بایست ثروت‌های انباشته، پایه و هدف مالیاتی قرار گیرد. در این بستر، حمایت‌ها می‌بایست به سمت محرومین و مستضعفین جامعه باشد. بخشودگی مذکور در این بند اولاً بر پایه مالیات بر درآمد است نه ثروت؛ لذا اساساً از حوزه تبعیض جبرانی خارج شده و بستر بحث آن در حوزه توزیع فرآیندی است. ثانیاً تخفیفات مذکور شامل حال محرومین و مستضعفان نمی‌شود؛ چرا که این میزان بخشودگی مالیاتی به هیچ وجه سختی با طبقات پایین اقتصادی ندارد.</p> <p>ذیل موضوع فوق می‌توان این پرسش را طرح کرد که چرا در بند فوق تخفیفات صرفاً محدود به مالیات بر درآمد شده است. آیا <b>مالیات بر ثروت یا مالیات بر مصرف</b> به طور جداگانه تخفیف خواهند داشت؟ یا اساساً برای این نوع مالیات‌ها هیچ گونه تخفیفی فرض نشده است؟ محدود نمودن بند فوق به مالیات بر درآمد به ایجاد ابهام در خصوص بخشودگی در سایر انواع مالیاتی منتهی می‌شود. لذا باید گفت بند فوق در بستر تبعیض جبرانی نیز قابل دفاع نیست.</p> <p>- بستر سوم برای توجیه بخشودگی‌های مالیاتی، <b>تبعیض ارزش‌پایه</b> است. بخشودگی مذکور در بند فوق، از این محل هم قابل توجیه نیست. چرا که اولاً این نوع بخشودگی برای اشخاص نبوده و برای افعال است. و در ثانی تخفیف می‌بایست به نحوی باشد که انگیزه‌ها را به سمت به غایت آن تخفیفات که همانا انجام یک فعل است، جهت‌دهی نماید. جهت‌دهی انگیزه‌ها ممکن است نیازمند تخفیف بیش از ۵۰۰ میلیون باشد و این موضوع وابسته به نوع کنشی است که سیاست‌گذار می‌بایست از آن حمایت نماید. به عنوان مثال ممکن است سرمایه‌گذاری و تولید در یک کالای خاص با تخفیف کمتر از ۱۰۰ میلیون تومان محقق شود ولی سرمایه‌گذاری برای حمایت از تولید یک کالای دیگر حتی با یک میلیارد تومان هم محقق نشود. این نشان از آن دارد که اگر تخفیف‌های مالیاتی در بستر تبعیض ارزش‌پایه توجیه شده باشند، این بستر، به اقتضای هر عرصه ممکن است کف و سقف متفاوتی را ایجاد نماید؛ لذا نمی‌توان به طور مطلق سقف برای آن قرارداد و از آن در این بستر دفاع کرد.</p> <p>نکته پایانی آنکه اساساً چه نیاز به بخشودگی مالیاتی است؟ چرا باید چنین ظرفیتی در قانون قرار داده شود؟ اگر نیاز به تخفیف مالیاتی برای اصناف و تولیدات مختلف وجود دارد، ذیل فرآیند قانونی این موضوع برای همه وضع شود. قراردادن چنین پنجره‌ای بستری برای <b>فساد</b> بوده و از مصادیق امضاهای طلاهایی خواهد بود و به شدت عامل <b>تعارض منافع</b> است. فرآیند بخشودگی و تخفیف مالیاتی می‌بایست شفاف‌تر شده و اگر بناست تخفیفی باشد، این تخفیف نباید به صورت موردی و برای یک فرد لحاظ شود.</p>						
حذف شود.						
<b>پیشنهادات</b>						

## بند پ ماده ۲۷:

(۷) قانون مذکور، به عنوان مالیات سهم دولت هر سال یک واحد درصد تا سقف برنامه سیزده درصد (۱۳٪) اضافه می‌شود. همزمان با افزایش نرخ مالیات بر ارزش افزوده، هر سال یک واحد درصد (۱٪) نرخ مالیات بر درآمد اشخاص حقوقی کاهش می‌یابد.

از ابتدای اولین دوره مالیاتی، موضوع ماده (۱) قانون مالیات بر ارزش افزوده (مصوب ۱۴۰۰)، در سال دوم، نرخ موضوع ماده

### جدول ۴. توضیحات بند پ ماده ۲۷

میزان انطباق با عدالت:							
انطباق کامل	بسیار	تا حدودی	متوسط	کم	بسیار کم	عدم انطباق	
							<p>در این بند سعی بر آن شده است تا چرخشی از مالیات بر درآمد اشخاص حقوقی به سمت مالیات بر ارزش افزوده که شکل خاصی از مالیات بر مصرف است صورت گیرد.</p> <p>این بند را می‌توان از یک سو مرتبط با <b>توزیع فرآیندی</b> دانست و از سوی دیگر مرتبط با <b>تبعیض ارزش پایه</b>. ارتباط با توزیع فرآیندی از آن جهت است که مالیات بر درآمد متأثر از این بند بوده و نرخ آن کاهش خواهد یافت. اما از آنجا که نرخ مذکور طبق این بند به صورت یکپارچه برای همه کاهش می‌یابد، تفاوتی با وضعیت کنونی از منظر تغییر در «برابری فرآیندی» ایجاد نمی‌نماید.</p> <p>نقطه اثر اصلی این بند در چرخش از مالیات بر درآمد اشخاص حقوقی (مالیات بر تولید) به سمت مالیات بر ارزش افزوده (مالیات بر مصرف) است. به عبارتی در این بند، حمایت از «تولید» بر «مصرف» ترجیح داده شده است. تأیید این چرخش، وابسته به آن است که تولید بر چه نوع مصرفی ترجیح داده شود؛ چرا که فی‌نفسه مصرف امر مضموم در مقایسه با تولید نیست. هر چند مالیات بر ارزش افزوده به واسطه ایجاد <b>شفافیت</b> در اقتصاد می‌تواند در <b>کاهش فساد و مقابله با قاچاق</b> کالا اثرات مثبتی داشته باشد؛ اما باید توجه داشت که مالیات بر مصرف، فی‌نفسه از منظر عدالت وجهی ندارد. اینکه افراد با درآمد بیشتر چون مصرف بیشتری دارند پس مالیات بیشتری پرداخت می‌کنند یا افراد با درآمد کمتر چون مصرف کمتری دارند پس مالیات کمتری پرداخت می‌کنند، دلیل بر عادلانه بودن این نوع مالیات نیست.</p> <p>آنچه در مصرف ضد ارزش است شامل مصارفی است که مصداق «تجمل»، «اسراف» و «تبذیر» باشند. به عنوان مثال خرید برخی کالاهای خارجی می‌تواند مصداقی از تبذیر در مصرف باشد. یا استفاده نابهینه از کالاهایی که به آنها یارانه تعلق می‌گیرد می‌تواند مصداقی از اسراف در مصرف باشد. یا مصرف کالاهای لوکس که حیث تجملی دارند، می‌توانند مصداقی از مصرف تجملی باشند. مالیات بر مصرف صرفاً اگر برای مقابله با اسراف، تبذیر و مصرف کالاهای تجملی باشد، قابل توجیه است. در غیر آن صورت نمی‌توان آن را موجه و قابل دفاع در بستر نظریه عدالت دانست.</p> <p>آنچه در این بند پیشنهاد شده، افزایش نرخ مالیات بر ارزش افزوده به صورت یکپارچه از ۹ درصد به ۱۳ درصد بوده است. این امر در شکل کنونی به نقض تبعیض ارزش پایه منتهی می‌شود. می‌بایست مالیات بر مصرف به نوعی طراحی شود که در راستای اصلاح الگوی مصرف قرار گرفته و برای کاهش مصارف تجملی، اسراف یا تبذیری باشد.</p>
							<p>متن پیشنهادی:</p> <p>«پ- از ابتدای اولین دوره مالیاتی، هر سال یک واحد درصد (۱٪) نرخ مالیات بر درآمد اشخاص حقوقی کاهش می‌یابد و هم‌زمان با آن هر سال به میزانی که جبران درآمد از دست رفته از کاهش مالیات بر درآمد اشخاص حقوقی شود، نرخ تعیین شده در ماده (۷) قانون مالیات بر ارزش افزوده (مصوب سال ۱۴۰۰) در راستای اصلاح الگوی مصرف و مقابله با مصداق مصارف تجملی، اسراف و تبذیر افزایش می‌یابد.»</p>



**تبصره بند پ ماده ۲۷:** مالیات بر مجموع درآمد خانوار را به مجلس شورای اسلامی تقدیم تبصره - دولت موظف است شش ماه پس از ابلاغ برنامه، لایحه نماید.

**جدول ۵. توضیحات تبصره بند پ ماده ۲۷**

میزان انطباق با عدالت:		میزان انطباق مبهم است ■				
انطباق کامل □	بسیار □	تا حدودی □	متوسط □	کم □	بسیار کم □	عدم انطباق □
توضیحات		این بند در ارتباط با توزیع فرآیندی است ولی از آنجا که احاله به لایحه‌ای شده است که بعداً می‌بایست تدوین شود، در خصوص آن نمی‌توان اظهار نظر دقیق کرد. در این خصوص نیاز به تذکری در باب عدم توجه لایحه برنامه هفتم توسعه به مالیات بر دارایی یا مالیات بر ثروت است. یکی از خلاهای اساسی در نظام مالیاتی کشور، عدم توجه کامل به مالیات بر ثروت است. دولت می‌بایست در برنامه هفتم، درآمد مالیاتی خود از طریق مالیات بر ثروت را افزایش دهد و از نیم درصد از کل درآمدهای مالیاتی در سال ۱۴۰۱ به حداقل ۱۰ درصد در تا سال پایانی برنامه برساند. این موضوع نیازمند توجه جدی دولت به مالیات بر ثروت و نیز ایجاد بسترهای قانونی برای آن است. نکته بعد آنکه محوریت مالیات بر واحد «خانوار» طبق تجربیات غربی از جمله عوامل گریز از ازدواج و سوق به سمت ازدواج سفید و تجرد بوده است. لذا قرار دادن مالیات بر واحد خانوار ممکن است تبعات ضد خانواده داشته و ایجاد انگیزه برای عدم تشکیل واحد خانواده نماید. مضافاً آنکه در نگاه اسلامی نیز مالیات وضع شده در فقه و احکام اسلامی همه بر اشخاص است نه بر واحد خانواده.				
پیشنهادات		متن پیشنهادی: «تبصره - دولت موظف است شش ماه پس از ابلاغ برنامه، <u>لوائح مالیات بر مجموع درآمد اشخاص حقیقی و مالیات بر دارایی اشخاص حقیقی</u> را به مجلس شورای اسلامی تقدیم نماید.»				

**بند ت ماده ۲۷:** وزارت امور اقتصادی و دارایی موظف است، به منظور شفافیت حمایت‌های مالیاتی، به صورت سالانه فهرست تمامی تخفیفات، اعتبار مالیاتی، نرخ صفر، معافیت یا بخشودگی و ترجیحات مالیاتی و گمرکی را تهیه و میزان درآمد از دست‌رفته دولت ناشی از موارد مذکور و استنادات قانونی مربوطه را به تفکیک محاسبه نماید. سازمان نیز موظف به انتشار آن در قالب پیوست بودجه سنواتی است.

**جدول ۶. توضیحات بند ت ماده ۲۷**

میزان انطباق با عدالت:		میزان انطباق مبهم است ■				
انطباق کامل □	بسیار □	تا حدودی □	متوسط □	کم □	بسیار کم □	عدم انطباق □
توضیحات		این امر گامی در مسیر ایجاد شفافیت در حوزه مالیاتی است. از یک سو روشن شدن وضعیت تخفیف‌ها و معافیت‌های مالیاتی به سیاست‌گذار کمک خواهد کرد تا در مقام تصمیم‌گیر، واقع‌بینانه‌تر تصمیم‌گیری کند. و از سوی دیگر می‌توان با مشاهده یکجای همه آنها، امکان بازبینی و بررسی‌های مجدد در خصوص معافیت‌ها مهیا شده و شناسایی و حذف معافیت‌های ناروا سهل‌تر می‌گردد. در واقع، می‌توان این ماده را گام مثبتی در راستای <u>عدالت تأمین</u> ارزیابی کرد. چرا که بستری مهیا می‌نماید تا بتوان حقوق عادلانه جامعه را ایفا نمود.				
پیشنهادات		همچنین این بند در ارتباط با توزیع اولیه نیز قرار دارد. چرا که دانش و اطلاعات مرتبط با حوزه مالیاتی به عنوان یک منبع اولیه در اختیار عموم مردم قرار گرفته و تقویت‌کننده شفافیت (به عنوان یکی از ابعاد مردمی‌سازی حکمرانی) است.				

### بند ث ماده ۲۷:

ترجیحات مالیاتی و گمرکی به نحوی انجام می‌شود که ارزش واقعی مربوط به مجموع موارد مذکور، سالانه ده درصد (۱۰٪) کاهش یابد و در پایان برنامه، پنجاه درصد (۵۰٪) نسبت به سال اول برنامه کاهش یافته باشد.

ث - وزارت امور اقتصادی و دارایی موظف است، با همکاری سازمان، ظرف مدت شش ماه پس از ابلاغ برنامه، لویح قانونی موردنیاز برای کاهش تخفیفات، اعتبار مالیاتی، نرخ صفر، معافیت یا بخشودگی و

### جدول ۷. توضیحات بند ث ماده ۲۷

میزان انطباق با عدالت:						
انطباق کامل □	بسیار □	تا حدودی □	متوسط □	کم □	بسیار کم □	عدم انطباق □
توضیحات						
از آنجا که پیشنهاد تدوین «لایحه قانونی پیرامون کاهش تخفیفات، اعتبار مالیاتی، نرخ صفر، معافیت یا بخشودگی و ترجیحات مالیاتی و گمرکی» به پس از ابلاغ برنامه هفتم موکول شده است، قضاوت نهایی در خصوص انطباق یا عدم انطباق با عدالت، ممکن نیست. اما می‌توان از نفس نیاز به بازبینی معافیت‌ها و بخشودگی‌های مالیاتی بواسطه تحولات رخ داده در اقتصاد ایران دفاع نموده و آن را ضروری دانست.						
پیشنهادات						

### بند ج ماده ۲۷:

کشور به صورت برخط در اختیار این سازمان قرار دهند. مراجع مزبور در صورت تخلف از این حکم علاوه بر مسئولیت تضامنی با مؤدی در پرداخت مالیات، مشمول محرومیت ماده (۲۰۲) قانون مالیات‌های مستقیم خواهند بود.

ج - بانک مرکزی، کلیه بانک‌ها، مؤسسات اعتباری، صندوق‌های قرض‌الحسنه، شهرداری‌ها، پلیس راهور فراجا، سازمان ثبت اسناد و املاک کشور مکلفند اطلاعات مورد درخواست سازمان امور مالیاتی

### جدول ۸. توضیحات بند ج ماده ۲۷

میزان انطباق با عدالت:						
انطباق کامل □	بسیار □	تا حدودی □	متوسط □	کم □	بسیار کم ■	عدم انطباق □
توضیحات						
از جمله نواقص نظام مالیات‌ستانی کشور نداشتن داده و اطلاعات دقیق برای شناسایی میزان مالیات افراد است. این موضوع از یک سو منتهی به فرار مالیاتی بسیاری از مشمولین شده و از سوی دیگر بعضاً به محاسبات نادقیق علیه افراد دیگر منجر می‌شود که در هر دو صورت خلاف عدالت مالیاتی است؛ چرا که عاملی بر توزیع ناعادلانه بار مالیاتی بر دوش افراد است. یکی از بسترهای لازم برای حل این معضل داشتن بستر اطلاعاتی دقیق و گسترده و همه جانبه است که در این ماده به این موضوع تأکید شده است. تأکید بر تجمیع داده و شفاف نمودن آن، حرکت در راستای بهبود عدالت تأمین است.						
این بند در بخش پایانی خود در تماس با عدالت کیفری است. در بخش پایانی چنین بیان شده است: «مراجع مزبور در صورت تخلف از این حکم، علاوه بر مسئولیت تضامنی با مؤدی در پرداخت مالیات، مشمول محرومیت ماده (۲۰۲) قانون مالیات‌های مستقیم خواهند بود.» این بند از یک سو مبهم است و از سوی دیگر برداشت‌های مختلف از آن، به نقض عدالت کیفری منتهی می‌شود.						
مقصود از مسئولیت تضامنی در این بند مشخص نیست. آیا نهادی که مرتکب تخلف شده است می‌بایست مسئولیت تضامنی را بر عهده گیرد یا فرد خطاکار؟ اگر مسئولیت به دوش نهاد مذکور است، باید توجه داشت که منابع مالی آن نهاد برای مأموریت خاصی تعریف شده است؛ به چه حقی می‌توان مانع از هزینه بودجه آن نهاد در راستای مأموریت‌های تعریف شده برای آن شد و بخشی از آن را به دلیل تخلف به عنوان جبران بدهی مالیاتی یک فرد برداشت کرد؟ اگر مسئولیت به دوش نهاد تخلف کننده قرار گیرد علاوه بر اشکال فوق، بستری برای شکل‌گیری فساد نیز خواهد بود. اینطور فرض کنید که یک مودی مالیاتی با یک نهاد زدوبند نماید و آنها اطلاعات این شخص را به سازمان امور مالیاتی ارسال نکنند و به طور تضامنی از بودجه بیت‌المال بدهی مالیاتی آن فرد وصول شود. این موضوع از یک سو بستر تعارض منافع و فساد را ایجاد خواهد کرد و از سوی دیگر به نقض عدالت تأمین منتهی خواهد شد.						
در برداشت دوم اگر افراد خاطی شریک در مسئولیت تضامنی فرض شوند، باز هم می‌تواند به نقض عدالت منتهی شود؛ چرا که بدهی مالیاتی افراد ممکن است رقم‌های متفاوتی باشد. فرض کنید یک کارمند یا یک مدیر با حقوق ۲۰ میلیون تومان در ماه در موقعیتی قرار گیرد که مسئولیت تضامنی بر پرداخت چند ۱۰ میلیارد تومان بدهی به دوشش قرار گیرد. آیا چنین جریمه‌ای انصاف است؟ حتی اگر فرد به واسطه تعارض منافع و رشوه و ... این تخلف را انجام داده باشد، می‌بایست آنچه او جریمه می‌شود متناسب با اقدام او باشد. رشوه و سوء استفاده از جایگاه ذیل قوانین خاص خود می‌بایست مورد بررسی و ارزیابی قرار گرفته و تنبیه متناسب با آن اعمال شود. این موضوع متفاوت از آن است که ما چنین باری را بر دوش یک متخلف فرض نماییم. این امر عدالت کیفری را نقض می‌نماید و تناسب جرم و مجازات را دچار تردید می‌کند.						



متن پیشنهادی:

«ج- بانک مرکزی، کلیه بانک‌ها، مؤسسات اعتباری، صندوق‌های قرض‌الحسنه، شهرداری‌ها، پلیس راهور فراجا، سازمان ثبت اسناد و املاک کشور مکلفند اطلاعات مورد درخواست سازمان امور مالیاتی کشور به صورت برخط در اختیار این سازمان قرار دهند. مراجع مزبور در صورت تخلف از این حکم علاوه بر مسئولیت تضامنی با مؤدی در پرداخت مالیات، مشمول محرومیت ماده (۲۰۲) قانون مالیات‌های مستقیم خواهند بود. مراجع مزبور در صورت تخلف از این حکم مشمول مجازات مذکور در ماده (۹) قانون رسیدگی به تخلفات اداری به استثناء بندهای (الف)، (ب) و (ج)، متناسب با تخلف صورت گرفته، خواهند شد.»

پیشنهادات

### بند چ ماده ۲۷:

نسبت به سال قبل بیش از پنجاه درصد (۵۰٪) رشد داشته باشد، ده درصد (۱۰٪) از مالیات‌های وصولی مازاد بر رشد پنجاه درصد (۵۰٪)، در اختیار همان استان‌ها قرار می‌گیرد.

چ- در خصوص استان‌هایی که میزان درآمد مالیاتی سالانه آن‌ها

### جدول ۹. توضیحات بند چ ماده ۲۷

#### میزان انطباق با عدالت:

انطباق کامل □ بسیار □ تا حدودی ■ متوسط □ کم □ بسیار کم □ عدم انطباق □

در اختیار قراردادن بخشی از درآمدهای مالیاتی یک استان به همان استان جهت مخارج بخصوص مخارج توسعه‌ای و عمرانی موجب تقویت فرهنگ سازی مالیاتی و افزایش میل و رغبت شهروندان به پرداخت مالیات می‌شود. علاوه بر این شرط رشد بیش از ۵۰ درصدی باعث تقویت کوشش مالیاتی در ادارات کل امور مالیاتی استان‌ها خواهد شد. این را می‌توان در راستای تبعیض کارآمد پایه دانست. زیرا به هر استان متناسب با افزایش تلاش مالیاتی درصد بیشتری از درآمدهای مالیاتی اختصاص می‌یابد. البته این بند به مناطق محروم بوده و کمتر توسعه یافته توجهی نداشته است و ممکن است این مناطق از این منظر، متضرر شده و بیشتر در محرومیت باقی بمانند. این مناطق بعضاً ممکن است افزایش درآمد مالیاتی را نداشته باشند. بنابراین بهتر است توزیع بودجه بر اساس تبعیض جبرانی نیز علاوه بر تشویق استان‌های پرتلاش لحاظ شود تا نابرابری‌های انباشته جبران شود. البته باید توجه شود مناطق محروم و کمتر توسعه یافته در قوانین مالیاتی از مزایای خاصی برخوردارند. در بند (الف) ماده (۳۹) قانون مالیات بر ارزش افزوده آمده است که ۱۰٪ سهم شهرداری‌ها از مالیات بر ارزش افزوده به مناطق کمتر توسعه یافته اختصاص یابد. در ماده (۱۳۲) قانون مالیات‌های مستقیم نیز واحدهای تولیدی که در مناطق کمتر توسعه یافته فعالیت نمایند به مدت ده سال با نرخ صفر مشمول مالیات می‌باشد.

توضیحات

پیشنهادات

### بند ح ماده ۲۷:

برای فعالیتهای تولیدی و معدنی واحدهای تولیدی و معدنی که پروانه بهره‌برداری یا قرارداد استخراج آن‌ها طی دوره اجرای قانون مذکور صادر شده باشد، جاری است.

ح- معافیت بند (ب) ماده (۱۵۹) قانون برنامه پنجم توسعه صرفاً

جدول ۱۰. توضیحات بند ماده ۲۷

میزان انطباق با عدالت:							
انطباق کامل	بسیار	تا حدودی	متوسط	کم	بسیار کم	عدم انطباق	
							<p>این بند در ارتباط با <b>تبعیض ارزش پایه</b> است. آنچه در قانون برنامه پنجم توسعه به عنوان معافیت برای فعالیت‌های تولیدی و معدنی وضع شده، با هدف تشویق و ایجاد انگیزه برای حضور این واحدها در مناطق محروم بوده است. این معافیت از آن رو قرار داده شده است که سرمایه‌گذاری در مناطق محروم از جمله اولویت‌های نظام ارزشی فرض شده و بر همین اساس تبعیض مذکور در قالب تخفیف مالیاتی برای افرادی که عمل فوق را انجام دهند لحاظ شده است. عادلانه بودن تبعیض‌های ارزش پایه وابسته به آن است که فارغ از اشخاص، شامل هر فردی شود که در منطقه محروم ورود نموده و سرمایه‌گذاری کرده است. حضور در مناطق محروم هزینه بیشتری نسبت به مناطق غیر محروم دارد و همین حمایت را ایجاد می‌نماید و گرنه نیازی به چنین مشوق‌های وجود نداشت. چنین حمایتی می‌بایست تسری به هر آن کسی داشته باشد که در شرایط مذکور قرار دارد. به عبارتی این تخفیف نمی‌تواند صرفاً شامل کسانی شود که بعد از تصویب قانون برنامه هفتم اقدام به تولید و سرمایه‌گذاری در مناطق محروم نماید. لذا محدود کردن آن به کسانی که پس از تصویب برنامه، اقدام به سرمایه‌گذاری می‌نمایند، تبعیض فوق را به تبعیض ناروا بدل خواهد کرد. نکته بعد آنکه تخفیف ذکر شده در بند (ب) ماده (۱۵۹) به میزان ۲۰ سال است و هنوز معافیت ۲۰ ساله برای افرادی که فعالیت اقتصادی خود را بر اساس معافیت ارائه شده در برنامه پنجم به مناطق محروم انتقال داده‌اند، به اتمام نرسیده است. این افراد از نظر زمانی ذی حق در استفاده از این حقوق هستند. نمی‌توان حق مکتسبه آنها را نادیده گرفت. این بند با این بیان <b>نقض عدالت تأمین</b> است.</p> <p>این بند را می‌توان از منظر <b>کارآمدی</b> نیز ارزیابی نمود. تبعیض ارزش پایه می‌بایست به تسری ارزش مورد نظر به بهترین و بیشترین شکل منتهی شود یا به کاهش فعل ضد ارزش به بهترین و بیشترین شکل منتهی گردد. وقتی یک سرمایه‌گذار مشاهده نماید که حاکمیت، التزامی به حقوق افرادی که پیش از این بر اساس چنین مشوقی در مناطق محروم سرمایه‌گذاری نموده‌اند، نداشته و به سادگی معافیت‌های وضع شده برای آنها را نادیده می‌گیرد، در خصوص تعلق این معافیت‌ها به خود نیز دچار تردید خواهد شد. این سوال قطعاً پرسیده خواهد شد که از کجا معلوم با اتمام زمان اجرای برنامه هفتم توسعه، حاکمیت، معافیت‌های وضع شده در این برنامه را نیز به یکباره ملغی اعلان ننماید؟ چه دلیلی برای اعتماد او باقی خواهد ماند؟ <b>نقض حقوق سرمایه‌گذاران پیشین</b> به معنی <b>نقض حقوق افرادی</b> است که امروز تصمیم به سرمایه‌گذاری در مناطق محروم دارند. این بازتاب در جامعه، اعتماد به حاکمیت را کاهش داده و سرمایه‌گذاران را برای سرمایه‌گذاری در مناطق محروم، دچار تردید خواهد کرد؛ لذا از این منظر این ماده به <b>نقض تبعیض کارآمد پایه منتهی</b> می‌شود.</p>
							<p><b>پیشنهادات</b></p> <p>حذف شود.</p>

**بند خ ماده ۲۷:** خ- در طول سال‌های برنامه، ارقام ریالی موضوع مواد ۴۴، ۴۶ و قیمت مصرف‌کننده تعدیل و اعمال می‌شود. ۴۷ قانون مالیات‌های مستقیم و تبصره‌های آنها بر اساس شاخص

جدول ۱۱. توضیحات بند ماده ۲۷

میزان انطباق با عدالت:							
انطباق کامل	بسیار	تا حدودی	متوسط	کم	بسیار کم	عدم انطباق	
							<p>این بند گام مثبتی در راستای <b>عدالت تأمین</b> است. تورم یکی از عواملی است که می‌تواند برابری فرآیندی را به نفع یک سمت دچار اخلاص نماید. در برخی از موارد جرائم یا مالیات‌ها یا حق تمبرها به صورت مقدار مطلق قید شده و اثر تورم بر آنها منجر به آن گشته که به مرور زمان، عدالت فرآیندی <b>نقض</b> شود. می‌بایست این نوع ارقام سالانه با تورم تعدیل شوند. قراردادن قاعده تعدیل با تورم، به معنای ایجاد شرایطی برای حفظ برابری فرآیندی است. لذا این موضوع می‌تواند به عنوان یکی از اقدامات در حوزه عدالت تأمین مورد دفاع باشد.</p>
							<p><b>پیشنهادات</b></p>



## ۵. بازبینی عدالت



نموده و اثر تصویب و اجرای فصل ناظر بر اصلاحات نظام مالیاتی بر عدالت را در نسبت با وضع موجود مقایسه نماییم.

در این بخش سعی بر آن است تا بر اساس شاخص‌های تعریف شده برای پیوست عدالت کل فصل را در قالب جداول مشخصی ارزیابی

۱. چه میزان لایحه با ابعاد موضوعی عدالت در ارتباط است؟					
ارتباط با مقوله ثروت‌ها و درآمدها:	خیلی زیاد	زیاد	متوسط	کم	خیلی کم
ارتباط با مقوله قدرت:	خیلی زیاد	زیاد	متوسط	کم	خیلی کم
ارتباط با مقوله فرصت‌ها:	خیلی زیاد	زیاد	متوسط	کم	خیلی کم
ارتباط با مقوله شأن و منزلت اجتماعی:	خیلی زیاد	زیاد	متوسط	کم	خیلی کم
ارتباط با مقوله دانش و اطلاعات:	خیلی زیاد	زیاد	متوسط	کم	خیلی کم

۲. ارزیابی لایحه از منظر نسبت مسائل با عدالت	
آیا طرح پوشش جامعی از مسائل مرتبط با عدالت در حوزه موضوعی خود دارد؟	بله <input type="checkbox"/> خیر <input type="checkbox"/>
مسئله لایحه از منظر عدالت در چه اولوی قرار دارد؟	خیلی زیاد <input type="checkbox"/> زیاد <input type="checkbox"/> متوسط <input type="checkbox"/> کم <input type="checkbox"/> خیلی کم <input type="checkbox"/>

۳. ارزیابی اثر بر آیندی لایحه در ابعاد بخشی عدالت	
تصویب لایحه چه تأثیری بر بهبود عدالت در توزیع اولیه خواهد داشت؟	مثبت زیاد <input type="checkbox"/> مثبت کم <input type="checkbox"/> بی‌اثر <input type="checkbox"/> منفی کم <input type="checkbox"/> منفی زیاد <input type="checkbox"/>
تصویب لایحه چه تأثیری بر بهبود عدالت در توزیع فرآیندی خواهد داشت؟	مثبت زیاد <input type="checkbox"/> مثبت کم <input type="checkbox"/> بی‌اثر <input type="checkbox"/> منفی کم <input type="checkbox"/> منفی زیاد <input type="checkbox"/>
تصویب لایحه چه تأثیری بر بهبود عدالت تأمین‌ی خواهد داشت؟	مثبت زیاد <input type="checkbox"/> مثبت کم <input type="checkbox"/> بی‌اثر <input type="checkbox"/> منفی کم <input type="checkbox"/> منفی زیاد <input type="checkbox"/>
تصویب لایحه چه تأثیری بر بهبود عدالت ترمیمی خواهد داشت؟	مثبت زیاد <input type="checkbox"/> مثبت کم <input type="checkbox"/> بی‌اثر <input type="checkbox"/> منفی کم <input type="checkbox"/> منفی زیاد <input type="checkbox"/>
تصویب لایحه چه اثر بر بهبود عدالت کیفری خواهد داشت؟	مثبت زیاد <input type="checkbox"/> مثبت کم <input type="checkbox"/> بی‌اثر <input type="checkbox"/> منفی کم <input type="checkbox"/> منفی زیاد <input type="checkbox"/>

#### ۴. وضعیت برابری‌های اساسی در لایحه

موضوعیت ندارد <input type="checkbox"/>	منفی <input type="checkbox"/>	خنثی <input type="checkbox"/>	مثبت <input checked="" type="checkbox"/>	اثر لایحه بر برابری تمهیدی:
موضوعیت ندارد <input type="checkbox"/>	منفی <input type="checkbox"/>	خنثی <input checked="" type="checkbox"/>	مثبت <input type="checkbox"/>	اثر لایحه بر برابری فرآیندی:

#### ۵. وضعیت تبعیض‌ها در لایحه

موضوعیت ندارد <input type="checkbox"/>	منفی <input checked="" type="checkbox"/>	خنثی <input type="checkbox"/>	مثبت <input type="checkbox"/>	اثر لایحه بر تبعیض‌های کارآمد پایه:
موضوعیت ندارد <input type="checkbox"/>	منفی <input type="checkbox"/>	خنثی <input checked="" type="checkbox"/>	مثبت <input type="checkbox"/>	اثر لایحه بر تبعیض‌های جبرانی:
موضوعیت ندارد <input type="checkbox"/>	منفی <input checked="" type="checkbox"/>	خنثی <input type="checkbox"/>	مثبت <input type="checkbox"/>	اثر لایحه بر تبعیض‌های ارزش پایه:

#### ۶. وضعیت طرح بر عدالت در مقایسه میان برش‌های اجتماعی و جمعیتی

برش نسلی موضوعیت ندارد <input checked="" type="checkbox"/>	مثبت زیاد <input type="checkbox"/>	مثبت کم <input type="checkbox"/>	بی‌اثر <input type="checkbox"/>	منفی کم <input type="checkbox"/>	منفی زیاد <input type="checkbox"/>	اثر در بهبود عدالت در برش نسلی:
برش قومی موضوعیت ندارد <input checked="" type="checkbox"/>	مثبت زیاد <input type="checkbox"/>	مثبت کم <input type="checkbox"/>	بی‌اثر <input type="checkbox"/>	منفی کم <input type="checkbox"/>	منفی زیاد <input type="checkbox"/>	اثر در بهبود عدالت در برش قومی:
برش منطقه‌ای موضوعیت ندارد <input type="checkbox"/>	مثبت زیاد <input type="checkbox"/>	مثبت کم <input type="checkbox"/>	بی‌اثر <input type="checkbox"/>	منفی کم <input checked="" type="checkbox"/>	منفی زیاد <input type="checkbox"/>	اثر در بهبود عدالت در برش منطقه‌ای:
برش جنسیتی موضوعیت ندارد <input checked="" type="checkbox"/>	مثبت زیاد <input type="checkbox"/>	مثبت کم <input type="checkbox"/>	بی‌اثر <input type="checkbox"/>	منفی کم <input type="checkbox"/>	منفی زیاد <input type="checkbox"/>	اثر در بهبود عدالت در برش جنسیتی:
برش قشری موضوعیت ندارد <input checked="" type="checkbox"/>	مثبت زیاد <input type="checkbox"/>	مثبت کم <input type="checkbox"/>	بی‌اثر <input type="checkbox"/>	منفی کم <input type="checkbox"/>	منفی زیاد <input type="checkbox"/>	اثر در بهبود عدالت در برش قشری:
برش طبقات اقتصادی موضوعیت ندارد <input type="checkbox"/>	مثبت زیاد <input type="checkbox"/>	مثبت کم <input type="checkbox"/>	بی‌اثر <input type="checkbox"/>	منفی کم <input checked="" type="checkbox"/>	منفی زیاد <input type="checkbox"/>	اثر در بهبود عدالت در برش طبقات اقتصادی:

#### ۷. فساد و تعارض منافع

بله <input checked="" type="checkbox"/>	خیر <input type="checkbox"/>	موضوعیت ندارد <input type="checkbox"/>	آیا در طرح امکان ایجاد فساد وجود دارد؟
بله <input checked="" type="checkbox"/>	خیر <input type="checkbox"/>	موضوعیت ندارد <input type="checkbox"/>	آیا در لایحه امکان ایجاد تعارض منافع وجود دارد؟

#### ۸. وضعیت لایحه در شاخص‌های مردمی بودن سیاست‌ها

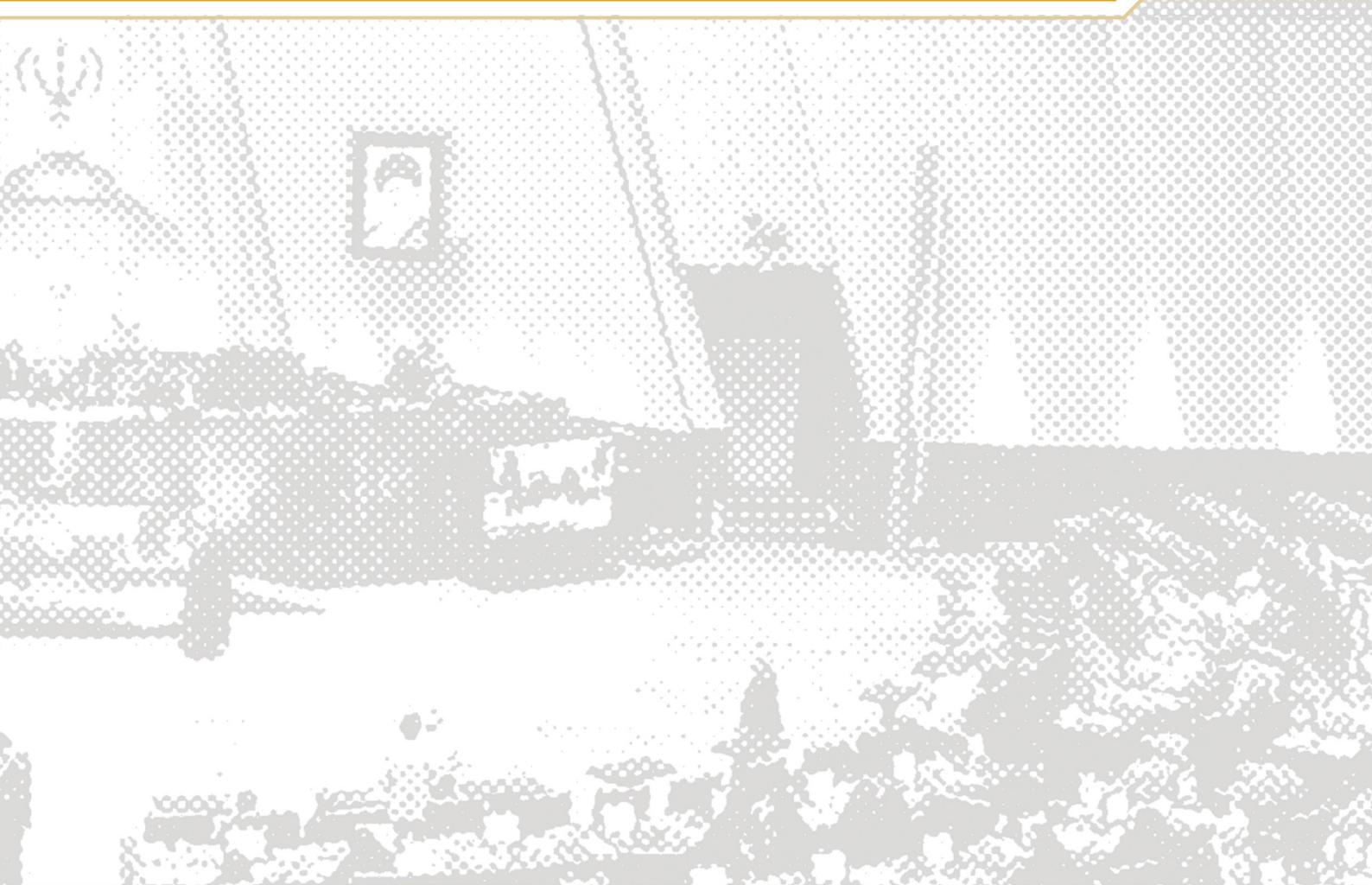
بله <input type="checkbox"/>	خیر <input type="checkbox"/>	موضوعیت ندارد <input checked="" type="checkbox"/>	آیا منابع و ایده‌های مردمی بررسی شده است؟
بله <input type="checkbox"/>	خیر <input checked="" type="checkbox"/>	موضوعیت ندارد <input type="checkbox"/>	آیا نیروهای مردمی در اجرای سیاست در اولویت قرار گرفته‌اند؟
بله <input checked="" type="checkbox"/>	خیر <input type="checkbox"/>	موضوعیت ندارد <input type="checkbox"/>	آیا شفافیت در تصمیم‌گیری‌ها و فرآیندها برای مردم رعایت شده است؟
بله <input type="checkbox"/>	خیر <input checked="" type="checkbox"/>	موضوعیت ندارد <input type="checkbox"/>	آیا اقلان کافی در خصوص سیاست در جامعه صورت گرفته است؟
تأثیر مثبت <input type="checkbox"/>	بی‌تأثیر <input type="checkbox"/>	تأثیر منفی <input checked="" type="checkbox"/>	لایحه بر احساس عدالت در جامعه چه تأثیری دارد؟



## منابع و مآخذ

۱. قرآن
۲. نهج البلاغه
۳. ترجمه شرح نهج البلاغه ابن میثم، ج ۵
۴. ترجمه شرح نهج البلاغه ابن میثم/ کمال الدین میثم بن علی بن میثم بحرانی؛ مترجم محمد صادق عارف ... [و دیگران]، مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی، - ۱۳۷۵.
۵. بیانات رهبر انقلاب در نخستین دیدار رئیس‌جمهور و اعضای هیئت دولت سیزده، ۱۴۰۰/۶/۶، <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=48588>
۶. بیانات رهبر انقلاب در دیدار میهمانان کنفرانس وحدت اسلامی و جمعی از مسئولان نظام، ۱۴۰۰/۸/۲، <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=48891>
۷. گزارش چهارچوب مفهومی تدوین پیوست عدالت، محمد تقی نظریان مفید، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، شماره مسلسل: ۱۸۳۶۰.
۸. لایحه برنامه هفتم توسعه
۹. قانون برنامه پنجم توسعه
۱۰. قانون مالیات بر ارزش افزوده (مصوب ۱۴۰۰)
۱۱. قانون مالیات مستقیم (مصوب ۱۳۶۶/۱۲/۳)
۱۲. قانون رسیدگی به تخلفات اداری (مصوب ۱۳۷۱/۹/۲۳)





## مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی

تهران، خیابان پاسداران، روپروی پارک نیاوران (ضلع جنوبی، پلاک ۸۰۲)

تلفن: ۷۵۱۸۳۰۰۰ صندوق پستی: ۱۵۸۷۵-۵۸۵۵ پست الکترونیک: [mrc@majles.ir](mailto:mrc@majles.ir)

وبسایت: [rc@majles.ir](http://rc@majles.ir)